

چفیه: از پوشش تا نماد، از نماد تا پوشش

چفیه در ابتدا فقط یک پوشش ساده سر و گردن در سرزمین‌های عربی برای محافظت چشم و سر و دهان از سوزش آفتاب و گرد و خاک بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، مهرزاد دانش منتقد سینمای ایران در یادداشتی نوشت: جنگ عراق و ایران که شروع شد، رزمندگان ایرانی هم این پوشش را در مناطق جنگی استفاده کردند؛ استفاده‌ای کاربردی که متنوع هم بود: هم سایه‌بان سر و صورت از حرارت خورشید بود، هم دستمالی برای پاک کردن عرق، هم حوله‌ای برای خشک کردن دست و صورت خیس از آب، هم نقابی برای جلوگیری از ورود گرد و خاک‌های بیابانی به ریه و هم سفره‌ای برای تناول غذا. چفیه آن موقع هیچ معنایی نداشت جز همین بهره‌های کاربردی و معمولی در موقعیتی جنگی در مناطق عمدتاً شرجی یا بیابانی و خشک جنوب غربی ایران.

در میانه جنگ که این پوشش استفاده‌ای گسترده یافت، به تدریج تبدیل به نمادی از یک رزمنده عمدتاً بسیجی و داوطلب در جنگ تحمیلی شد. در نقاشی‌ها، فیلم‌ها، طرح‌های گرافیکی، شمایل تجسمی و سایر نموده‌های بصری/موقعیتی مرتبط با جنگ، چفیه واجد یک هویت جدا از بهره‌های کاربردی‌اش در جنگ شده بود: هویت رزمندگان شجاع و ایثارگر و معتقد که در راه عقیده از جان خود می‌گذرند.

جنگ که تمام شد، دیگر موقعیت جنگی‌ای هم وجود نداشت که چفیه‌ای باشد و کاربردی داشته باشد، اما جنبه هویتی‌اش باقی ماند و به ویژه در آوازه‌گری‌های رسمی، بهره‌های تبلیغی فراوان از آن برای نمایش تأکید بر ادامه راه رزمندگان حتی در زمانه بعد از جنگ به عمل آمد و به تدریج این ماجرا، به حوزه سیاست و قدرت هم راه یافت. مسئولان و مدیران یکی‌یکی برای نشان دادن وفاداری خود به آرمان رزمندگان شهید و ایثارگر، گاه و بیگاه از چفیه استفاده کردند. اما حوزه پیچیده سیاست، نسبت چندانی با فضای بی‌شیله‌پيله رزمندگان که با خلوص و سادگی جان خود را فدای آرمان‌های‌شان می‌کردند نداشت.

بده‌بستان‌ها، رانت‌خواری‌ها، لابی‌گری‌ها، اختلاس‌ها، مفاسد اخلاقی و مالی و سازمانی و ده‌ها بزه دیگر که در ساحت سیاست ظرفیت فراوان برای تحقیرشان وجود دارد، زیر پوشش نمادین چفیه پنهان می‌شد. چفیه رفته‌رفته دیگر برای عموم مردم ربطی به شهدا و جانبازان و ایثارگران جنگ تحمیلی نداشت. مردم می‌دیدند که چگونه بانکداری اختلاس‌گر، جوانکی رانت‌خوار، مدیری دروغگو، مسئولی دغل‌باز و ... هر چند وقت یک بار چفیه‌ای بر گردن می‌اندازد و با شعارهای پرطمطراق سخن از ساده‌زیستی و مردمی بودن می‌گوید و در عمل فضای دیگری مشهود است.

این ماجرای اخیر سفر خانواده یک مسئول چفیه به گردن به ترکیه، حالا به قصد خرید سیسمونی یا هر کار دیگر، وسط ماه رمضان، فقط یک مصداق کوچک از رویه‌ای است که سالیان سال است شکل گرفته است. افشای این ماجرا، البته مشخص است از یک نزاع درون‌گروهی جناحی ریشه می‌گیرد و به قصد ضرب شست‌نشان دادن و حتی تصفیه حساب سیاسی انجام گرفته است و بیش از حب علی، نشان از بغض معاویه دارد و چه بسا گروه پشت پرده افشاگران، خود، چفیه به گردن‌های دیگری هستند که در مراتبی دیگر، داستان‌هایی دیگر دارند.

چفیه مثل بسیاری از پدیده‌های پیرامونی، ابتدا وسیله‌ای کاربردی و عاری از معنای الصاقی بود. سپس نماد دفاع و ایثار شد و به تدریج همین ماهیت نمادینش هم تغییر یافت و نزد عامه مردم، نمادی از کاسه‌لیسی قدرت به قصد آرایش ظاهری موجه و وفادارانه در پوشاندن باطنی آکنده از تعارض با شعارها و سخن‌ها و آوازه‌گری‌ها شد. چفیه دیگر قرار نیست صورت را از نکات عیان همچون زل آفتاب و غبار بیابان را بیوشاند. پوشش آن حالا برای وجهه‌های پنهان است.